

وقایع فارس

وحوادث تنگستان

از سنه ۱۳۳۳ الی آخر ۱۳۳۵

تصرف بوشهر

درچفادك دونفراز ژاندارمها كه مريض بودند از صدمه شقاوت كاری آن روز انگلیسها جهان را بدرود می گویند .

درچفادك با علی اصغر خان معاهده میکنند که تا آخرین نقطه امکان انتقام بکشند همین طور با احمدخان و انفرمته « معاهد میشوند پس از آن حرکت کرده باحمدي میروند و در آنجا بهمین ترتیب نایب اول اسدالله خان با آنها معاهد میشود بعد از آن به برازجان رفته قرار میدهند اگر در این مقصود سلطان ابوطالب خان با ما موافقت نکند او را گرفته تبعید می - کنیم ولی پس از مذاکره با ایشان معاهده را قبول نموده آنوقت يك لایحه از تمام تقصیرات انگلیسها بعنوان کاپیتان « آرتیکرن » رئیس ژاندارمری فارس نوشته و واضحاً اظهار می دارد هرگاه با ما در جنگ همراهی بکنید ما از این ساعت از خدمت ژاندارمری خود را مستعفی دانسته مانند یکی از افراد ملت آزادانه بجنگ اقدام خواهیم کرد تلگرافچی انگلیس که در برازجان بود چون خبر داشت روز تصرف بوشهر بطرف بوشهر رفته و سیم تلگراف را پاره کرده بود .

تلگرافچی کازرون که مگردیچ بود بر حسب اشاره انگلیسها سیم کازرون را قطع کرده بود یعنی بکلی قطع مراوده اخباری از کازرون مابین شیراز شده بود و به مستخدمین ایرانی را پورت میدهند انگلیسها اعلان کرده اند که پنج روز دیگر به برازجان حمله خواهند کرد .

سلطان اخگر مسئولیت را بعهده گرفته حکم میدهد يك پست ژاندارم تلگرافخانه برازجان را تصرف کنند سرهنگ ایرانی تلگرافخانه را که میرزا موسی خان نام بود مجبور میکنند که سیم را بیکدیگر اتصال

دهد فوراً حکم میکنند سیم مابین برازجان و بوشهر را قطع کنند آنگاه فوری سوار شده پست به پست اسب عوض کرده خود را بکنار تخته می - رساند و آن کاغذ را بامضای حسینقلی خان نایب اول رسانیده ولی مشارالیه چون مخالف عقیده حضرات بود عوضی امضاء می کند از آنجا بهمین ترتیب مراجعت نموده در فاصله از غروب تا صبح خود را بکازرون می - رساند نوزده فرسنگ راه را در این بین طی کرده بود .

سلطان ابوالفتح خان را دیده تفصیل را باو میگوید کاغذ را بامضای ایشان رسانیده فوری با شرح قضیه بتوسط پست ژاندارم بوسیله ملک زاده برای رئیس ژاندارمری میفرستد .

آنگاه متنفذین کازرون را خواسته وقایع را به آنها بیان میکند تمام اهالی شهر را بمسجد بزرگ دعوت کرده تفصیل را بهمه حالی کرده توسط تلگراف بتمام شهرهای ایران واقعه را اطلاع می دهند مخارج را عهده دار میگردند .

سپس به منزل ناصر دیوان رفته بعد از شرح گزارشات ایشان را دعوت بهمراهی مینمایند آنهم قول همراهی میدهد بلافاصله مگردیچ را دستگیر و در دفتر ژاندارمری حبس میکنند و انتصار الملك رئیس تلگرافخانه ایرانی را مجبور میکنند سیم های قطع شده را وصل و بشیراز را پورت دهد بعد از آن با برازجان حرف زده خبر میخوانند میگویند الان صدای توپ زیادی آمد متوحش شده فوراً بجماعت که در مسجد مجتمع بودند اظهار میکنند آنها هم بجوش آمده همان روز دوست نفر تفتنگچی بتوسط مساعی ناصر دیوان تا غروب حرکت دادند که باز هم از عقب کمک برسانند .

همان روز کاغذی به آقا سید حسن مدیر حبل المتین از وقایع و گزارشات نوشته بتوسط آقا سید محمد وکیل ژاندارمری ساکن کازرون به شیراز فرستاده رمزی هم باین قرار میدهند و بمسیو واسموس پیغام میدهند که هر چه زودتر خود را به آنجا برسانید .

کاغذ اول تیماتوم مرتبی توسط ملکراده در مجمع عمومی که در مسجد در اثر تلگرافات کازرونی ها از اهالی شیراز تشکیل شده بود قرائت میشود

فورا به فکر نظام ملی افتاده و تشکیل میدهند .

سلطان اخگر هم لباس دولتی را کنده و باردوی سربازی که بایک عراده توپ هست مأمور رفتن ممسنی و درباغ نظر، يك ميدانی شهر توقف داشتند رفته آنها را دعوت بهمراهی مینمایند سربازهای غیور همه حاضر بهمراهی میشوند ولی صاحب منصب آنها حاضر نمیشود بدون اجازه مرکز حرکت کند.

سلطان اخگر هم مأیوسانه غروب سوار شده با نهایت سرعت خود را به برازجان رسانیده معلوم میکند صدای توپ که قبلا خیر داده بودند در بندری حفاظ دلووار بوده که انگلیسها با چهار فروند کشتی و سی متر الیوز و هشتصد و پنجاه نفر سرباز شبانه روز آنجا را بمباران کرده اند . با وجودیکه رئیس علی شهید با پنجاه نفر تنگچی روز اول بیش نبوده و با کمکی که روز دوم و سوم باورسیده بود بیش از یکصد و پنجاه نفر نشده بودند انگلیسها پس از انداختن سه هزار دو بیست تیر توپ تقریباً با توپهای بزرگ که گلوله های آنها از دوازده من هیجده من بیست و پنج من بوده با دادن پانصد نفر تلفات و گم کردن اسباب يك متر الیوز مجبور بفرار میشوند .

در عین حال حکمی از کاپیتان « آرتیکزن » میرسد که انگلیسها به پستهای مسیله و چفادک حمله کردند تسلیم شوید و اگر باحمدی آمدند و بشما حمله کردند تا ممکن است مسالمت کنید ولی اگر بطرف شما شلیک کردند شما دفاع کنید سلطان اخگر فوری به ابوطالب خان میگوید حالا که اجازه دفاع دراحمدی را داده اند من با هفتاد و پنج نفر خود رفته آنجا را محکم می کنم و برای دفاع حاضر میشوم ایشان هم قبول کرده میروند آنجا را محکم کرده ضمناً بچفادک رفته شیخ حسین خان را ملاقات میکند میگویند اگر شما بتوانید چند دست لباس غیر نظامی بدهید من با عده خودم حاضر می کنم که با شما مشارکت در جنگ کنم چون آنجا برای آنها مقدور نبوده بتوانند تهیه نمایند بعد از آن زافر خضر خان از دلووار وارد شده مفصلاً چنانچه در فوق ذکر شد ترتیب جنگ آنجا را بیان کرد. تلفاتی که بمجاهدین وارد شده

بود یکنفر مقتول و دونفر مجروح بوده که مجروحین هم خوب شدند .
همان روز از اردوگاه چنک پناه نفرشبانه باردوی انگلیسها
حمله کرده تلفات زیادی وارد آوردند و هشتاد رأس قاطر توپخانه آنها را
چون آوردنشان ممکن نبود با تیر زدند .

جنگهای خونین تنگستانیها با انگلیسها

حملات هر شب مکرر بود هر شب فاتح می آمدند سلطان اختر به -
احمدی آمده از زاندارها می خواهد که با ایشان بجنگ بیایند آنها بدون
اجازه دولت جرئت نکرده قبول نمی کنند خودش هر روز به برازجان رفته
با اطراف مکاتبه کرده با اخصاص ملاقات میکند کمک برای مجاهدین
تهیه مینماید باز مراجعت با احمدی می کند .

گاهی هم به چنک رفته از شیخ حسین خان دستور میگیرد . یک روز
شیخ حسین خان با یکصد و هشت نفر تنگستانی و هشتاد نفر چاه کوهی به -
انگلیسها حمله برده غروب فاتحانه بر میگردد فقط تلفات ایشان دو نفر
زخمی بود که آنها هم خوب شدند .

چند روز دیگر با همین مقدار عده با صد و پنجاه نفر دشتستانی که به -
ریاست خالو حسین تازه یکم آمده بودند با انگلیسها حمله میکنند عده
آنها چهار هزار نفر بود ولی مجبور شدند بیرق سفید بلند کرده حاضر به -
تسلیم میشوند .

در این موقع چهار هزار نفر دیگر با کشتی های جنگی رسیده مجدداً
شروع بجنگ میشود بعد از ظهر فشنگ مجاهدین تمام شده هیجده هزار
فشنگی که برای آن روز برده بودند پس از باز کردن جعبه ها معلوم میشود
تمام خراب است ناچار شیخ حسین خان حکم میکند عقب بنشینند .

سنگر جناح چپ که در آن خالو حسین دشتی بانهیاری کدخدای چنک
و شانزده نفر دیگر بودند بواسطه حمله دشمن از مابقی عده جدا شده تا عصر
با تمام عده دشمن می جنگند .

با وجودیکه خالو حسن دو گلوله خورده بود پس از اتمام فشنگ
از سنگر بیرون جسته سیزده نفر را با کارد شکم پاره کرده که یکی از آنها

مازور بوده . بعد خود و همراهانش دستگیر میشوند .

از طرف دیگر در موقع عقب نشینی شیخ حسین خان مابقی عده انگلیسها با تمام توپخانه خودشان توی صحرا از پنج عراده مترالیوز دوازده دانه آنها را بمبارده کردند ولی خسارتی نتوانستند وارد آورند آنها مستقیماً عقب نشسته آنگاه نود و شش سوار دشمن بر آنها حمله ور شده که دستگیرشان کنند فوراً شیخ حسین خان امر میدهد که تمام عده نشسته سوارها را بزنند آنها هم اطاعت کرده در چند دقیقه با باقیمانده فشنگها تمام سوارها را بجزشش نفر که فرار کردند هدف گلوله ساخته خودشان مستقیماً بقرارگاه پیش قراول خود که پست مسیله است عقب نشسته در این واقعه اسب شیخ حسین خان چهار گلوله خورده و جوان ناکامش شیخ عبدالعسین خان که خیلی رشید بود شهید شد سی و نه نفر دیگر جرم شهادت نوشیدند ده نفر هم از تشنگی هلاک شدند هشتاد نفر هم زخمی شدند تلفات انگلیسها موافق ابلاغیه نظامیان خودشان ۱۴۳۱ نفر بوده .

خبر عقب نشینی که با حمدی رسید ۳۶ نفر از ژاندارمها با نهایت سرعت حرکت کرده برای امداد مجاهدین سلطان اخگر هم میرود غروب به چفادک میرسند و قتیکه آنها هم رسیده بودند ژاندارمها را گذارده به برازجان بر میگردد و لوازم جراحی و دوائی کامل و چندین ذرع پارچه برای باند تهیه کرده تا فردا عصر با احمد خان انقرمیه خود را به چفادک میرساند آن جوان با غیرت و نیکو خصلت تمام آنها را معالجه کرده در مدت خیلیی تماماً بفضل خداوند شفا یافتند .

در اینوقت موسیو واسموس هم رسیده بود و در آن روز جنگ تا میدان جنگ رفته تمام عقب مانده ها را که از تشنگی مشرف بهلاکت بودند بوسیله قمقمه خود آب داده از مرگ نجات میدهد امروز روزی بود که شرافت ایرانیت در پیش چشم هر بیننده مجسم شده بود چه که دسته دسته زنها و بچهها میدویدند با پای برهنه مشگ آب بردوش در آن بیابان شوره زار و آن گرمای طاقت فرسا که تشنگان مجاهدین را سیراب سازند .

الحق ملت تنگستان و چاه کوتاه منتهای رشادت و شجاعت و شرافت ملی خود را بعالمیان ثابت ساختند .
(ادامه دارد)